۱۸

علی علیه السلام

مصداق پاکی ها

متن سخنرانی استاد حسین انصاریان

بسم الله الرحمن الرحیم

علی (علیه السلام) مصداق پاکی ها

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دار العرفان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علی (ع) مصداق پاکی ها

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاریان حسین ۱۳۲۳ - عنوان و نام پدیدآور : علی علیه السلام مصداق پاکیها/ مولف حسین انصاریان؛ ویرایش و تحقیق مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی. مشخصات نشر : قم: دارالعرفان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری : ۳۵ص ۱۹×۹/۵س م. شابک : ۳۵۰۰۰ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۴۵- وضعیت فهرست نویسی : فیپا یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.۹ موضوع : علی بن ابی طالب (ع) ، امام اول، ۳۲ قبل از هجرت - ۴۰ ق. شناسه افزوده : انتشارات دارالعرفان رده بندی کنگره : PB۵۳/۷۳ /الف ۸۸ع۸ ۸۸۳۱ رده بندی دیویی : ۱۵۹/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی : ۷۴۱۸۴۹۱

سخن ناشر

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی ها محفوظ می دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می شود ، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جامهٔ عمل به دستورات بلند ربانی می باشد .

در این خصوص ، دست یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژهٔ آن ها در حیات انسانی ، ضروری احساس می شود .

مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان ، در راستای اهداف الهی خود ، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمانهٔ دانشمند محقّق حضرت استاد حسین انصاریان ، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی های معظّم له ، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی های استاد نیز تشنگانِ معارف سراسر نور ائمه اطهار : را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن ، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله : و سیراب گشتن از این چشمهٔ پرفیض باز نموده است .

امید که با عنایات خاص اهل بیت

عصمت و طهارت : بیش از بیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدّس سیراب گردیم .

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و الصلوه و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین حبیب الهنا وطبیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین .

وعده داده بودم در رابطه با پاکی همه جانبه ای که برای هر انسانی تحصیلش میسر است مصداقی را بیان کنم ، این مصداق که هم در قرآن کریم با نشانه هایی که آیات بیان می کند و هم در روایات و هم در گفتار اهل دل ، اهل حال ، اهل دانش و اهل بینش مطرح است ، وجود مبارک امیرالمؤمنین (ع) است .

امام (ع) نسبت به خدا ، انسان و دنیا از اندیشه و نظر پاک برخوردار بود . در مرحله قلب و نیّت قلب از پاکی برخوردار بود . در عمل و کردار و در اخلاق و حالات هم دریای بی ساحلی از پاکی و طهارت بود . طوفان بلاها و خطرها و تنگناها و مصائب سنگین در نظر پاک او نسبت به حق ، نسبت به انسان و نسبت به دنیا در اخلاق و عمل او اثر منفی نگذاشت و راهی برای ایجاد انحراف در هیچ کدام از نواحیِ وجود مبارک او پیدا نکرد .

خدا در دیدگاه علی (ع)

فعل حضرت حق درباره وجود مقدس حضرت حقّ البته در جهت فعل حقّ که شیاطین بیشترین انحراف را در طول تاریخ در اندیشه ها ایجاد کردند وجود مقدس او این نظر را داشت ، (در حالی

که خودش گرفتار انواع حوادث و بلاها و مشقّت ها بود ببینید چه نظر پاکی نسبت به فعل حقّ داشت : «اِرْتَفَعَ عَنْ ظُلْمِ عِبادِه . » (۱)

خدا را این گونه دید و درست دید ، نظری که درباره خدا و فعل خدا داشت ، صحیح ترین و پاک ترین نظر بود ، چون قرآن مجید اعلام کرد غیر از مخلَصین هر کس درباره خدا نظر بدهد و حرف بزند نظر کاملی نیست و سخن جامعی نیست ، اما صریحاً قرآن کریم نظر مخلصین را در رابطه با پروردگار امضا کرد .

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید : او وجود مبارکی است که نسبت به بندگانش کمترین ستمی روا نمی دارد ، نه در دنیا و نه در آخرت ، کمبودها ، نقص ها و عیب ها هم در هر شکلی که در زندگی مردم رخ نشان می دهد کارخانه تولیدش را خود مردم می دانند .

«إِنَّ اللَّهَ لاَ يَظْلِمُ النَّاسَ شَيًّا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ . »(۲) خداوند متعال به کمترین چیزی به بندگانش ستم روا نمی دارد ، این مردم هستند که خودشان زمینه ستمکاری بر خودشان را فراهم می کنند .

خیلی حرف زیبایی است ، امیرالمؤمنین (ع) اعتقادش این است که عیب های زندگی ، نقص های زندگی ، کمبودهای زندگی ، مشکلات زندگی و دردهای زندگی را با عادل شدن معالجه کنید ، و الا تا در جامعه ستم هست طبعات ستم هم خواهد بود ، آثار ستم هم خواهد بود .

رهایی از آثار ستم به این است که همه تصمیم بگیرند آدم های پاکی بشوند ، انسان های عادلی بشوند

، انسان های با انصافی بشوند .

نهایتاً حرف اسلام این است که کلید حل مشکلات متخلق شدن همه ، به اخلاق پروردگار است . اگر یک نفر ستمکار هم بین مردم باشد باز کشتی حیات عیب پیدا خواهد کرد ، و خیمه حیات دچار تنگنا خواهد شد . در قیامت هم همین طور ، با این که «مَلِکِ یَوْمِ الدِّینِ» است قدرت واحد و تمام مهار قیامت به تنهایی به دست اوست .

در قرآن مجید می فرماید : به اندازه رشته نازک وسط هسته خرما که به زحمت هم به چشم می آید ، یا در آیات دیگر می فرماید : به اندازه سوراخ ریز میان هسته خرما به احدی ستم روا نخواهم داشت .

این طور نیست که در بازار قیامت بگویم این طرفم فرعون است ، این نمرود است ، این شمر است ، این یزید است و با این اوضاعی که در دنیا داشتند بیش از حد جرمشان توی سرشان بزنم ، نه ، جریمه به اندازه جرم است ، خداوند ستم نمی کند . (۳)

منفعت این دیدگاه

یک منفعت این نظر پاک این است که هیچ گاه انسان گلایه مند و شاکی از وجود مقدس او نمی شود . وقتی که آنجا را در اوج عدالت ببیند و ستمکاری و مولدش را انحراف فکری و روحی خود انسان بداند ، تمام درهای گلایه و شکایت از پروردگار عالم به روی ذهن بسته می شود ، آن وقت رابطه آدم با پروردگار عاشقانه می شود ، بی رغبتی به حق در دل پیدا نمی شود ، کسالت از حق در باطن پدیدار نمی شود

و خستگی از حق برای انسان نمی آید . بلکه انسان در این سیر فکری پاک روز به روز بر عشق و ایمان و ارتباط و عبادت و حرکتش به جانب مقام قرب اضافه می شود . این پاکی و عشق تا جایی می رسد که نوشته اند : روز عاشورا هر چه بر أباعبدالله (ع) می گذشت برافروختگی چهره او بیشتر می شد ، و زمانی که شمر تیزی خنجرش را می خواست به گلوی حضرت بکشد سید الشهداء (ع) لبخند زد ، این لبخند خیلی معنی داشت ، معنایش هم این بود که تمام وجودم از محبوبم در اوج رضایت قرار دارد و آنچه میگذرد مربوط به انحراف انسان است نه تقدیر و عمل پروردگار . این نظر وجود مبارکشان به پروردگار در جهت فعل پروردگار است .

احکام حضرت حق

و اما درباره احکام پروردگار می فرماید : «عَدَلَ عَلَيْهِمْ فی حُکْمِه» . (۴)

پروردگار عالم در فرمان دادن به بندگانش فقط و فقط عدل را رعایت می کند . «وَ قامَ بِالْقِسْطِ فی خَلْقِه . » و تمام حیات بشر را در سیطره عدلش اداره می کند ، و ستم ها مربوط به خودشان است .

انسان از دیدگاه علی (ع)

و اما نظرشان در رابطه با انسان ، خیلی نظر شگفت انگیزی است .

یک گروهی در زمان خود امیرالمؤمنین (ع) در اوج هواپرستی و خودپرستی و جهالت که خطرناکترین بیماری ها و کاملا بر ضد خدا قرار گرفتن است چنان با شخصیت امیرالمؤمنین (ع) درگیر شدند که نهایتاً حکم کفر بر امیرالمؤمنین (ع) جاری کردند . شما مطلبی را فقط می شنوید ، باید به گذشته برگردید و خود را در زمان امیرالمؤمنین (ع) قرار بدهید و امیرالمؤمنین (ع) را امیرالمؤمنین (ع) ببینید ، هم از دید پروردگار هم از دید پیغمبر ، حداقل سیصد آیه در قرآن است که اهل تسنّن هم نقل کرده اند ، می گویند مصداق اکمل این سیصد آیه در امت ، امیرالمؤمنین (ع) است .

شما پیغمبر (ص) را ببینید و با چشم پیغمبر (ص) ، علی (ع) را نگاه کنید ، من فقط یک نظر پیغمبر (ص) را می گویم که : شیخ سلیمان بلخی حنفی در کتاب ینابیع الموده خود نقل می کند که روزی پیغمبر (ص) بالای منبر به مردم فرمود : واقعاً هر کسی که دلش می خواهد آدم را با علمش ببیند ، نوح را با عزمش ببیند ، ابراهیم را با حلمش ببیند ، موسی

را با هیبتش ببینـد ، و عیسـی را با زهدش ببیند اشاره کردند : «فَلْيَنْظُرْ اِلی عَلی اِبْنِ اَبی طالِب . » (۵) این یک نفر به تنهایی همه انبیاء است ، آن وقت این هواپرستان خودپرست جاهل ، در دل جامعه اسلامی که خودشان را هم به مردم باورانده بودند که ما آدم های درستی هستیم اعلام کردنـد که : علی کافر است و جنگ با او و کشـتنش واجب است و شـرّش را باید از سـر جامعه کم کرد . (۶)

از گنهکار ناامید نباشید

در چنین موقعیتی نظر ایشـان راجع به انسـان چه بود ؟ وقتی که به او می گفتنـد بـا این گروه هواپرست و خودپرست جاهل که شما را تا پستی کفر به باور مردم دادنـد چه بایـد کرد ؟ شـما بودیـد چه نظری داشتیـد ؟ آنقـدر برای انسان احترام قائل بود که دربـاره این گروه وقتی که از او می پرسـیدند چکـار بایـد کرد ؟ می فرمود : از گنهکـار نا امیـد نباشـید ، کریمانه با او برخورد بکنیـد ، معـالجه اش بکنیـد . میفرمود : انسـان هـای خوب که خوبنـد ، انسـان هـای پـاک که پاکنـد ، ما در کنار آنها کاری و زحمتی نـداریم ، یک مصداق این مطلب روایتی است که : مردی از خوارج خطاب به امیرالمؤمنین(ع)گفت : قاتله الله کافراً ما افقهه .

(نهج البلاغه : حکمت ۴۱۲ ؛ بحارالانوار : ۳۳ / ۴۳۴ ؛ حدیث ۶۴۳ .)

کاروان پاکی هسـتند که به جانب لقاء خـدا حرکت می کننـد ، باید به داد اینها رسـید ، باید دل برای اینها سوزانید ، باید برای اینها

گریه کرد و باید برای آنها طبیبانه اقدام کرد . و اصرار داشت ناامید نباشید .

حرمت انسان

برای حریم انسان ، جان انسان ، وجود انسان آنقدر احترام قائل بود که می گفت : دشمن ترین دشمنان من بیمارند ، باید علاجشان کرد . علاج . او غیر حکومت هایی بود که اگر یک نفر بر اثر درد بگوید : بالای چشمتان ابروست ، مأمور در خانه اش بیایند و دعوتنامه بفرستند و او را به انواع مراکز اطلاعاتی بکشند و به خاک سیاه بنشانند . او می گفت : اولا اینها انسان هستند و بعد هم عارضه بیماری به آنها خورده ، باید معالجه شان کرد ، ناامید هم نباشید . یک روزی روی منبر کوفه در ایام حکومت و قدرتش سخنرانی می کرد ، آنقدر مردم تحت تأثیر سخنرانی بودند که مات زده نگاهش میکردند ، یکی از همین گروه از وسط جمعیت بلند شد و گفت : پسر ابوطالب ! خدا ریشه ات را بکند که چقدر خوش زبانی ! تا چهل پنجاه نفر قصد حرکت کردند ، امام (ع) از روی منبر فرمود : با شما بود ؟ ! گفتند : نه . فرمود : به چه کسی گفت خدا ریشه ات را بکند ؟ گفتند : به شما . فرمود : حق درگیری بر عهده من است ، من باید با او درگیر بشوم ، من هنوز سخنرانی ام تمام نشده ، بگذارید بنشیند و گوش بدهد ، شاید هدایت بشود .

هدایت انسان ها

او نسبت به انسان ها فقط دغدغه هدایت داشت . به خدا قسم در سه جنگ جمل و صفین و نهروان تا جایی که در توان امیرالمؤمنین (ع) بود جنگ واقع نشود کوشید اما نشد

و دشـمن جنگ را به او تحمیل کرد . نوشـته انـد در جنگ جمل بعـد از این که حضـرت (ع) پیروز شد به جای این که بگوید شهرها را چراغان بکنیـد ، نقل و شـیرینی پخش بکنید و پرچم های رنگارنگ بزنید ، آمد وسط میدان جمل ، کنار کشـته های دشـمن ، عین مادر داغ دیده اشک ریخت و گفت : اینها دلم را سوزاندند ، و سوز دل من به این است که همه باید بهشت می رفتنـد ، اما خودشان راهشان را به سوی جهنم کج کردند . کدام فرمانده نظامی برای کشـته های دشـمن اشک ریخته است ؟ ! سراغ داریـد ؟ فرمانـدهان پیروز ، همیشه غرور نشان می دهند و مارش پیروزی می زنند و چراغانی می کنند ، درجه می گیرند ، اما امیرالمؤمنین (ع) آنقـدر برای انسان دغدغه داشت که می آمد کنار کشـته دشـمن اشک می ریخت که چرا جهنم رفتید ؟ چه درسهایی امیرالمؤمنین (ع) از پاکی به ما می دهد !

ما چه کرده ایم ؟

پـدران ! مادران ! معلم ها ! اساتیـد دانشـگاه ! حاکمان مملکت ! شـما چه مقـدار دغدغه انسان را دارید ؟ چه مقدار ؟ این همه سوز دل را چگونه باید معالجه کرد ؟ مشکلات را چگونه باید حل کرد ؟ ثروت مملکت را چگونه باید خرج کرد ؟ محبت ها ، چگونه باید خرج بشود ؟ معلم چگونه باید خود را خرج شاگرد بکند ؟ استاد دانشگاه چگونه باید خود را خرج کند ؟ دولت چگونه باید خود را خرج ملت کند ؟ شما یک مو از علی (ع) به تنتان هست

؟ شما به اندازه ای که او دغدغه انسان را داشت ، شما هم دارید ؟ او برای گمراه اشک می ریخت ، شما برای گمراه تا حالا چه کرده اید ؟ الآن هم که کشور ما «يَخْرُجُونَ مِنْ دينِ اللّهِ اَفْواجاً» است . چقدر شما دغدغه دارید ؟ چقدر ناراحتید ؟ چقدر دختران ما از نظر روش و افکار و اخلاق تبدیل به دختران تل آویو و واشنگتن شده اند ؟ چقدر جوان های این مملکت فاسد و معتاد و دزد و جیب بر شدند ؟ شما چقدر دغدغه انسان را دارید ؟

محبت به شقی ترین مردم

شبی که زیر تیزی شمشیر زهرآگین ابن ملجم داشت دست و پا می زد نزدیک نیمه شب بیست و یکم حسن و حسین و قمر بنی هاشم و محمد حنفیه : را صدا زد ، گفت : عزیزان من ! یک نفر به من حمله کرده ، من امشب شهید می شوم ، فردا ننشینید بگویید علی (ع) را کشتند پس تا جایی که دلمان خنک بشود باید بکشیم ، یک نفر مرا کشته است . بعد به حسن و حسینش (ع) گفت : حسن جان ! حسین جان ! اگر دلتان آمد قاتل مرا ببخشید ، اگر بنا شد قصاص بکنید ، در تاریکی محراب ، یک ضربت به من زده ، دوتا نزده ، مبادا دوتا شمشیر به او بزنید ، اگر با آن یک ضربت کشته شد بدنش را دست مردم ندهید چون من می دانم مردم عصبانی هستند ، عادل هم نیستند ، چاقو و خنجر و چوب می آورند ، بدنش را ممکن است سوراخ سوراخ

کنند ، چشمش را دربیاورند ، خودتان جنازه قاتل مرا دفن کنید ، به دست مردم نیفتد . چه کسی چنین دغدغه ای را نسبت به انسان دارد ؟ آن هم نسبت به اشقی الاشقیاء و قاتل خود .

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من

چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

این چه روح و فکر پاکی است که وقتی صبح نوزدهم او را روی گلیم می گذارند ، سر گلیم را بچه ها می گیرند می آورند داخل خانه ، بلافاصله نان و آب و شیر می آورند ، چشمش را باز می کند می گوید : حسن جان ! ابن ملجم هم مسافر است ، او هم روزه نیست ، صبحانه مرا به او بدهید بعد برای من صبحانه بیاورید . و برای این که قاتل را بیدار و آگاه کند آفتاب که طلوع کرد به پسرهایش گفت : قاتل را بیاورید من او را ببینم . ابن ملجم را آوردند . فرمود : بنشین کنار بستر من . برای این که او را تحریک بکند و به خود بیاید ، با آن حال مظلومانه اش برگشت گفت : من برای تو بد امامی بودم ؟ ! عیبی داشتم ؟ !

سفارش به استاندار

در عهدنامه مالک اشتر نوشت : مالک ! کاری کن که در خیمه حیات از حداقل زندگی خوب تمام مردم برخوردار باشند ، چه این که مردم هم دین تو باشند یا هم دین تو نباشند ، برای تو فرقی نکند . یک وقت نگویی چون اینها مؤمن هستند به اینها بیشتر برسم ، ولی اینها چون یهودی

، مسیحی یا زرتشتی اند از تدارکات کشور چیزی به آنها ندهم .(۷)

دنیا در دیدگاه علی (ع)

اما راجع به دنیا پاک ترین نظر را داشت : «اِنَ الدُّنْیا دارُ صِدْق لِمَنْ صَدَقَها ، وَ دارُ عافیه لِمَنْ فَهِمَ عَنْها وَ دارُ غِنیً لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْها وَ دارُ مَوْعِظَه لِمَنِ اتَّعَظَ بِها ، مَسْجِدُ أَحِبّاءاللّهِ وَ مُصَلّی مَلائِکَهِ اللّهِ وَ مَهْبَطُ وَحْیِ اللّهِ وَ مَتْجَرُ اَوْلیاءَاللّه اِکْتَسَبُوا فیها الرَحْمَه وَ رَبِحُوا فیها الْجَنَه» .(۸) شما در تمام مکتب ها بگردید اگر نمونه این نظر را راجع به دنیا دیدید ؟

نیّت امیرالمؤمنین (ع)

و اما نیّت او ، کافی است که شما در کتاب های شیعه و سنی وزن نیت او را از زبان پیغمبر اکرم (ص) بشنوید . این وزن نیت علی (ع) در پاکی در سن بیست و سه سالگی است : «ضَربَهُ عَلی یَوْمَ الْخَنْدَقْ اَفْضَلْ مِنْ عِبادَهِ الثَّقَلَیْنْ . » (۹) در پاکی نیت ، شما کافی است پاکی نیت او را در این آیه سوره بقره ببینید : «وَمِنَ النَّاسِ مَن یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ . . . »(۱۰) خدایا ! جانم را آن هم در سن بیست سالگی با تو معامله می کنم فقط محض خودت . من نه کاری به بهشت دارم و نه کاری به جهنم ، جانم را با شخص خودت معامله می کنم .

عمل امیرالمؤمنین (ع)

اما از نظر عمل : امام باقر (ع) می فرماید : یک روز در اتاق پدرم زین العابدین (ع) نشسته بودم ، داشتم عبادت پدرم را نگاه می کردم ، رکوعش را ، سجودش را ، حالش را ، بعد با صدای بلند شروع کردم گریه کردن . پدرم نمازش را که سلام داد و فرمود : باقرم ! چرا گریه می کنی ؟ گفتم : پدر از این سنگینی عبادتت دلم سوخت ، پدرم شروع کرد گریه کردن . به پدرم گفتم : من دلم برای شما سوخت گریه کردم ، شما برای چه گریه می کنی ؟ فرمود : عزیز دلم ! اگر زمان علی (ع) بودی و عبادت علی (ع) را می دیدی چه می گفتی !

یک شعر از یک سنی حنفی مسلک بخوانم ، حنفی ها خیلی

متعصب اند .

شیر خدا شاه ولایت علی

صیقلی شرک خفی و جلی

روز احد چون صف هیجا گرفت

تیر مخالف به تنش جا گرفت

غنچه پیکان به گل او نهفت

صد گل محنت ز گل او شکفت

روی عبادت سوی محراب کرد

پشت به درد سر اصحاب کرد

بیست و سه سالش بود ، جراح به پیغمبر (ص) گفت : نود زخم خورده ، همه را بستم اما یک تیر به عصب استخوان پا فرو رفته تا می خواهم آن را دربیاورم شدید ناله می زند ، من هم می دانم دردش خیلی است ، نمی گذارد آن را دربیاورم ، چکار کنم ؟ پیغمبر (ص) فرمود : صبر کن وقت نماز بشود .

خنجر الماس چو بینداختند

چاک به تن چون گلش انداختند

گُل گُل خونش به مصلی چکید

گشت چو فارغ ز نماز آن بدید

این همه گل چیست ته پای من

ساخته گلزار مصلای من

صورت حالش چو نمودند باز

گفت که سوگند به دانای راز

کز علل تیغ ندارم خبر

گر چه زمن نیست خبردارتر

«جامی» از آلایش تن پاک شو

در قدم پاک روان خاک شو

شاید از این خاک به گردی رسی

گرد شکافی و به مردی رسی

اخلاق امیرالمؤمنین (ع)

یک موردش را برایتان بگویم ، ایام حکومتش است ، رئیس مملکت است ، در راه دارد می آیـد یک دختر خانمی را می بیند زار زار گریه می کند . علی (ع) در مقابل گریه گریه کنندگان طاقت نمی آورد ، دختر خانم ! چی شده ؟ گفت : من کنیزم و کلفت هسـتم ، پول به من داده انـد خرما خریـده ام ، خرما خوب نیست ، خانمم گفته برو پس بده و آمده ام به خرمافروش می گویم : پس بگیر ،

می گوید : پس نمی گیرم . فرمود : بیا با همدیگر برویم من خرمایت را پس بدهم . آمد در مغازه خرمافروش ، خیلی با محبت فرمود : این خرما را عوض بکن . گفت : به تو هیچ ربطی ندارد ، به خرما فروش لات و بی تربیت دوباره فرمودند ، اگر ممکن است عوض کن ، گفت مزاحم کسبم نشو . و از پشت دخل آمد و یک مشت به سینه امیرالمؤمنین (ع) زد و از مغازه بیرون پرتش کرد . گفت : می گویم برو . به دختر فرمود : خوب این که پس نگرفت بیا برویم در خانه تان به خانمت بگویم حالا با این خرماها قناعت کن . هیچ قدرتمندی در روی این کره زمین به این پاکی می شناسید ؟ اینقدر اخلاق والا . دختر راه افتاد ، علی (ع) هم راه افتاد ، همسایه روبرویی آمد در مغازه جوان خرمافروش ، گفت : با کدام دستت به این سینه زدی ؟ گفت : با این دست . گفت : خوشت آمد با این مشتی که به این مرد زدی ؟ ! تو فهمیدی این کیست ؟ گفت : نه ، کیست ؟ با این لباس پاره اش آمده بود اینجا مزاحم ما شده بود . گفت : نفهمیدی ؟ گفت : نه ، گفت : این سینه ، صندوق اسرار خداست ، این شوهر فاطمه زهرا (س) است ، این پدر حسن و حسین (ع) و این امیرالمؤمنین (ع) است . دوید دنبال امیرالمؤمنین (ع) ، آمد خودش را بیندازد روی پای علی (ع) ، زیر بغلش را گرفت ،

گفت : مرا ببخش ، بد کردم . فرمود : تو مرا ببخش ، من آمدم مزاحم کاسبی ات شدم .(۱۱) لا اله الا الله .

شما رئیسهای کشورها یک موی علی (ع) به تنتان هست ؟ خرما را گرفت و بهترین خرما را برای دختر آورد و فرمود : برو ، گفت : علی جان ! دیر شده مرا می زنند . فرمود : خوب من می آیم از جانب تو عذرخواهی می کنم . خانم دید کنیزش دیر کرده ، پنج دفعه هی آمد در را باز کرد و بیرون را نگاه کرد ، بعد یک مرتبه دید کنیزش با امیرالمؤمنین (ع) دارد می آید ، علی (ع) را می شناخت ، دو لنگه در را باز کرد امیرالمؤمنین (ع) فرمود : یک مقدار دیر شده عذرش را قبول کن ، گفت : آقا جان ! فدای قدمتمان بشوم ، من این کنیز را به شما بخشیدم . امام (ع) هم رو کرد به کنیز ، فرمود : من هم تو را در راه خدا آزاد کردم برو ، این یک مصداق پاکی .

مجلس امشب به نام علی (ع) شد ، علی (ع) هنوز مظلوم است ، علی (ع) هنوز تنهاست ، چند روز است از کنار قبرش صدای ناله های مظلومانه بلند است ، (۱۲) فرهنگ علی (ع) هنوز در دنیا فرهنگ مظلومی است ، پای منبرش یک نفر بلند شد و گفت : به من ظلم شده . فرمود : چقدر به تو ظلم شده ؟ گفت : یک ظلم . فرمود : به تو یک ظلم شده اما به

من به اندازه ریگ های بیابان ، و به تعداد نخ پشم گوسفندان دنیا ظلم شده .

مصیبت جانکاه

زهرا (س) داشت جان می داد و اشک می ریخت ، امیرالمؤمنین (ع) گفت : چرا گریه می کنی ؟ گفت : به مظلومیت تو گریه می کنم . در دامن خودش جان داد . بعد از ظهر بود ، به حسن و حسین ، و زینب و کلثوم : گفت : عزیزانم ! بلند بلند گریه نکنید ، نمی خواهم همسایه های دیوار به دیوارمان هم بفهمند که مادرتان را از دست دادید . نیمه شب شد بدن دختر پیغمبر را داخل آن حیاط کوچک آورد ، صدا زد : حسن جان ! حسین جان ! شما آب بیاورید ، من بدن مادرتان را با کمک شما غسل بدهم . اما وسط غسل دیدند بابا غسل را رها کرد و آمد صورت به دیوار گذاشت ، شروع کرد بلند بلند گریه کردن . مگر بابا به ما نگفته بلند بلند گریه نکنیم ؟ چرا خودش بلند بلند گریه می کند ؟ آمدند گفتند : بابا چی شده ؟ فرمود : دستم به بازوی مادرتان رسید ، آنقدر با غلاف شمشیر به بازوی مادرتان زده اند . . . بعد بدن را کفن کرد و صدا زد حسن جان ! حسین جان ! دخترانم ! این آخرین باری است که مادرتان را می بینید . بچه ها آمدند ، دوتا دختر دو طرف بدن مادر سر گذاشتند ، امام حسن (ع) صورت ، روی صورت مادر ، ابی عبدالله (ع) صورت ، کف پای مادر ، حسین جان !

برای شما سخت تر بود صورت روی پای مادر یا برای خواهرت زینب (س) وقتی صورت روی گلوی بریده تو گذاشت .

پاورقی

۱ . نهج البلاغه : خطبه ۱۸۵

۲ . یونس : ۴۴ .

۳ . نساء : ۱۲۴ . «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّلِحَتِ مِن ذَكَر أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلاَ يُظْلَمُونَ نَقِيرًا»

۴ . نهج البلاغه : خطبه ۱۸۵ .

۵. ینابیع الموده : ۱ / ۳۶۲، الباب الرابعون، حدیث ۱ . أخرج أحمد بن حنبل فی مسنده، و احمد البیهقی فی صحیحه عن أبی حمرا، قال : قال رسول الله(ص) : من أراد أن ینظر الی آدم فی علمه، و الی نوح فی عزمه، و الی ابراهیم فی حلمه، و الی موسی فی هیبته، و الی عیسی فی زهده، فلینظر الی علی بن ابی طالب(ع) .

و این روایت در مصادر شیعی به طرق مختلف با اختلاف کمی نقل شده است .

۶ . خوارج حضرت امیرالمؤمنین(ع) را کافر می دانستند، ملل و نحل : ۱۷۰، الایضاح : ۴۸ .

۷ . نهج البلاغه : نامه ۵۳ .

۸ . نهج البلاغه : حکمت ۱۳۱ . "همانا دنیا سرای راستی برای کسی است که با آن به راستی برخورد کند، و خانه عافیت است برای آن که آن را فهمید، و محل توانگری است برای آن که از آن توشه گرفت، و جای پند است برای کسی که با آن پند گیرد . مسجد عاشقان خدا، و جایگاه نماز فرشتگان، و محل فرود آمدن وحی، و تجارتخانه اولیاء خداست که در آن کسب رحمت کردند و بهشت را سود بردند

" .

۹ . الاقبال : ۴۶۷ ؛ عوالی اللآلی : ۴/۸۶، حدیث ۱۰۲ .

۱۰ . بقره : ۲۰۷

۱۱ . کشف الغمه : ۱/۱۶۳ ؛ بحارالانوار : ۴۰/۳۳۱، باب ۹۸، حدیث۱۴ .

۱۲ . در تاریخ ایراد این سخنرانی اشغالگران به شهر مقدس نجف اشرف حمله کرده بودند و گروه زیادی از شیعیان را در کنار حرم شریف حضرت امیرالمؤمنین به خاک و خون کشیدند

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان


WWW